



میلاد لارستان

انتصاب جعفرپور به ریاست کمیسیون فرهنگی مجلس

برگزاری ویژه برنامه ارتحال امام خمینی (ره) در لارستان

فرصت سازی افزایش پروازهای لار-دوچه از فرودگاه لارستان

حوادث نجات یک گمشده در کوههای عمادشهر لارستان

دو حمله تروریستی در مجلس و حرم امام (ره)

یادداشت روز
۱۵ خرداد حرکتی که دشمن حرکت کور قلمداد کردند

واکنش آیت الله سید عبدالعلی (ره) نسبت به تبعید امام (ره) به ترکیه

حمام شهرداری

شایعه وجود کنج در روستای «ارد» شهرستان گراش

«تانک نجف» به موزه دفاع مقدس منتقل می‌شود



همین صفحه

دو حمله تروریستی در مجلس و حرم امام (ره)



ساعت ۱۰/۵ صبح روز چهارشنبه ۹۶/۳/۱۷ یک تیم تروریستی متشکل از ۴ نفر با مراجعه به در ورودی شماره یک مجلس شورای اسلامی با مأموران حفاظت مجلس درگیر شدند که در این درگیری‌ها ۳ نفر از اعضای حفاظت مجلس و نفر دیگر که ارباب رجوع بوده مجروح شدند و یکی از تروریستها خود را در مجلس منفجر کرد. این گروه تروریستی با لباس زنانه وارد مجلس شدند. تیم رهایی‌گروگان سپاه با نفوذ به میان تروریستها در مجلس یکی از آنها را به هلاکت می‌رساند. تروریستها وارد ساختمان نمایندگان در مجلس شده‌اند و در آنجا افرادی را به گروگان گرفته‌اند. خبرهای تأیید نشده حاکی است که یکی از تروریستها از مجلس بیرون آمده و در خیابان شروع به تیراندازی کرده است. همچنین گروهی از تروریستها وارد حرم مطهر امام خمینی (ره) می‌شوند که یکی از آنها مشغول به تیراندازی می‌شود که با تمام شدن فشنگ‌هایش به طرف حرم فرار می‌کند و خود را منفجر می‌نماید. برخی شنیده‌ها حکایت از مجروح شدن ۷ یا ۸ نفر و شهادت یک یا دو نفر را دارد. ضمناً یک گروه تروریستی دیگر بدون هیچ اقدام تروریستی دستگیر شدند. خبرهای تکمیلی را از سایت میلاد لارستان پیگیری کنید.

جناب آقای دکتر جمشید جعفرپور
انتخاب جنابعالی به سمت رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی را صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده، رجای واثق داشته‌ام که با بهره‌مندی از شخصیت فرهنگی علمی و توان اجرایی شما شاهد شکوفایی بیش از پیش منطقه لارستان بزرگ خواهیم بود. امید است در راستای اهداف بلند نظام مقدس جمهوری اسلامی سربلند و پیروز باشید.
دبیر خانه دانشگاه‌های لارستان

جناب آقای دکتر جمشید جعفرپور
نماینده محترم مردم لارستان، خنج و گراش در مجلس شورای اسلامی
انتخاب جنابعالی به سمت رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که نشان از لیاقت، شایستگی و توان مدیریتی آن جناب می‌باشد، تبریک عرض نموده، موفقیت شما را در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی و مردم ولایی این خطه از کشور ایران اسلامی، از خداوند متعال آرزو مندیم.
هیأت رئیسه، اساتید و کارکنان دانشگاه آزاد اسلامی لارستان

فرماندهی انتظامی آگهی استخدام شهرستان لارستان صفحه ۳

آگهی مزایده

شهرداری خور در نظر دارد به استناد مجوز شماره ۴/۲۰۵ مورخ ۹۶/۰۳/۱۰ شورای اسلامی شهر خور نسبت به فروش ۱۰ واحد از مجتمع تجاری شهرداری واقع در بلوار صنعت با کاربری تجاری از طریق مزایده اقدام نماید. لذا متقاضیان محترم می‌توانند جهت شرکت در مزایده و اخذ مدرک مورد نیاز ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار مرحله دوم آگهی به شهرداری خور مراجعه نمایند.

۱) محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادها: شهرداری خور، واحد مالی
۲) مبلغ سپرده شرکت در مزایده: ۵ درصد مبلغ پیشنهادی.
۳) اگر برندگان ردیف اول، دوم و سوم مزایده حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده آنان به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.
۴) مهلت قبول پیشنهادها: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۹۶/۰۴/۰۴
۵) به پیشنهادهای مشروط و مخدوش و فاقد سپرده و پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر ارسال شوند ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۶) شهرداری در رد یا قبول هر یک یا کلیه پیشنهادها مجاز و مختار است.
۷) هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می‌باشد.

نوبت اول چاپ: ۹۶/۰۳/۱۸ نوبت دوم چاپ: ۹۶/۰۳/۲۵
آخرین مهلت تحویل پیشنهادها پایان وقت اداری: ۹۶/۰۴/۰۴
تاریخ تشکیل کمیسیون عالی معاملات و بازگشایی پیشنهادها: ۹۶/۰۴/۰۷
محمد سعید دست‌پاک - شهردار خور

آگهی مناقصه اجرای اسکلت پایانه مسافربری (مرحله دوم)

۱- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شهرداری لار به نشانی فارس - لارستان - شهر قدیم خیابان آیت ... خامنه‌ای

۲- موضوع مناقصه: عبارت است از اجرای اسکلت پایانه مسافربری لار

۳- زمان و مهلت و نشانی دریافت اسناد: متقاضیان محترم می‌توانند حداکثر تا ۱۰ روز پس از تاریخ نشر آگهی چاپ دوم با مراجعه به واحد امور قراردادهای به نشانی مندرج در بند یک آگهی اسناد مناقصه را دریافت نمایند و حداکثر تا تاریخ ۹۶/۰۳/۲۸ پاکتهای خود را به دبیرخانه شهرداری تحویل نمایند ضمناً تاریخ بازگشایی پاکتها مورخه ۹۶/۰۳/۲۹ می‌باشد.

۴- نوع و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بعنوان سپرده شرکت در مناقصه بصورت ضمانت نامه بانکی معتبر و یا واریز همان مبلغ به حساب سپرده ۱۰۰۷۹۰۳۲۹۷۶۶ بانک شهر

۵- شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مجاز و مختار است و به پیشنهادهای مشروط و مخدوش و فاقد سپرده و همچنین به پیشنهادهای خارج از مهلت مقرر ترتیب اثر داده نخواهد شد.

۶- سپرده نفرت اول تا سوم در صورتیکه برنده شناخته شدند و حاضر به انجام عقد قرارداد نگردند به نفع شهرداری ضبط خواهد شد. و هزینه آگهی مناقصه به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

۷- شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبولی کلیه شرایط و مندرجات مناقصه و قرارداد می‌باشد.

۸- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است. و متقاضیان محترم می‌توانند جهت اخذ اطلاعات بیشتر با شماره ۰۷۱-۵۲۳۳۹۴۹۰ تماس حاصل فرمایند.

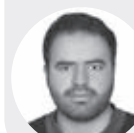
نوبت چاپ اول آگهی: ۹۶/۰۳/۱۰ نوبت چاپ دوم آگهی: ۹۶/۰۳/۱۸

محمد رضا قنبرنژاد - شهردار لار



در آغاز دهه ۱۳۴۰، شاه با هدف دگرگونی ساختار اجتماعی-اقتصادی و نیز تغییر در مناسبات سیاسی کشور، به انجام یک رشته اصلاحات دست زد که به انقلاب سفید شهرت یافت. نقطه آغازین برنامه های اصلاحات شاه، تصویب لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی بود که قید اسلام از شرایط رای دهندگان و منتخبان حذف می شد و شرط سوگند به قرآن، جای خود را به کتاب آسمانی می داد. امام (ره) این حرکت را مقدمه برنامه های ضد اسلامی حکومت پهلوی دانست و بلافاصله علمای طراز اول قم را به مشورت و تصمیم گیری دعوت کرد. ایشان به همراه تعداد دیگری از علما و مراجع با تشکیل جلسات متعدد و صدور بیانیه هایی این مصوبه را خلاف اسلام و قانون اساسی دانسته و طی تلگراف هایی به شاه و نخست وزیر مخالفت خود را اعلام و لغو مصوبه را خواستار شدند از آن جا که بیانیه های مراجع چاپ و تکثیر شده و در اختیار مردم قرار می گرفت لذا علما و روحانیون با همراهی مردم در شهرهای مختلف به حرکت در آمده و به مخالفت با این اقدام دولت برخاستند. پافشاری علما و مراجع و اعتراضات مردمی باعث شد که اسدالله علم در تاریخ ۱۰ آذر ۱۳۴۱ لغو مصوبه دولت را اعلام کند. دستاورد این نهضت برقراری ارتباط میان علمای قم و سایر مناطق ایران بود. شاه با وجود شکست در جریان انجمن های ایالتی و ولایتی ناگزیر بود رقم های دیگر را علی رغم مخالفت های داخلی اجرا کند بنابراین تصمیم گرفت برای پیش دستی و قرار دادن مخالفان در یک کار انجام شده اصول شش گانه ای را به فرزندوم بگذارد. تغییرات اجتماعی- اقتصادی گسترده ای که خواه ناخواه در پی این تحول (که از سوی حکومت به انقلاب سفید موسوم شد) صورت می گرفت بسیاری

از نیروهای سیاسی و رهبران مذهبی را به واکنش واداشت. امام خمینی که با برگزاری رفراندوم مخالفت کرده بود پس از برگزاری رفراندوم، مردم را برای ادامه ی مبارزه در برابر سیاست های ضد اسلامی رژیم تشویق نمود. مخالفت ها با حکومت در تهران و قم به ضرب و شتم و دستگیری تعدادی از روحانیان انجامید لذا امام خمینی به اتفاق تعداد دیگری از مراجع تقلید در تهران مبارزه منفی، عید سال ۱۳۴۲ را عزای عمومی اعلام کردند. رژیم با هدف ارعاب روحانیت تصمیم به خشونت علیه آنان گرفت. به این منظور روز دوم فروردین سال ۱۳۴۲ مصادف با سالروز شهادت امام صادق (ع) که محافل عزاداری در قم برپا شده بود، به مدرسه ی فیضیه حمله برده و تعدادی از روحانیون و طلاب و مردم را به شدت مورد ضرب و شتم قرار داد که گونه ای که در این میان عده ای کشته شدند. این حادثه سرآغازی برای علنی شدن مبارزه ی امام خمینی و بخش هایی از نیروهای مذهبی و مردم علیه رژیم گردید و توده های مردم را به صحنه ی مبارزه علیه رژیم سوق داد و شهرهای وسیعی از کشور را در بر گرفت. مبارزات نیروهای مذهبی در این قیام، فصل نوبنی را در رخدادهای ایران معاصر گشود که این نیروهای مذهبی پس از سال های نخستین دهه ی ۱۳۴۰ به عنوان رهبران این قیام در برابر شاه ایستادند. قیام طوایف لر و نفر از عشایر لارستان به رهبری حضرت آیت ... العظمی حاج سیدعبدالعلی آیت اللهی (ره)، از منحصرب فردترین رخدادهای تاریخ اولیه نهضت اسلامی محسوب می شود.



رسول احمدلو

صهیونیسم در جامعه ما به دلیل قدرت اسلام ناکام بود (۳)



ساواک و سرویس های اطلاعاتی غرب چه همکاری هایی با یکدیگر داشتند؟ ساواک و سرویس های اطلاعاتی سه نوع همکاری داشتند. ۱- همکاری جاسوسی بین دو سیستم سیا و اینتلجنس سرویس همراه هستند. ۲- همکاری های اقتصادی- سیاسی ساواک در خرید امکانات و سلاح و ابزار جاسوسی که به عهده دکت علینقی عالیخانی بود. در حقیقت عالیخانی در ساواک همکار یاش با انگلیس و اسرائیل بوده است و اسناد همکاری اش در کتاب آقای تقیپور آمده که ساواک با موساد تحت عنوان «تشکیلات زیتون» کار میکرده است. در برای جمع آوری گزارش و خبر استفاده میکرده است، اگرچه ساواک و موساد همکاری داشتند!

مراکز تفریحی بیشتر بود. عوامل رژیم با گروههایی که قصد آشکار سازی چهره صهیونیسم را داشتند، چطور برخورد میکردند؟ من یک مجموعه اسنادی از کتاب های ممنوعه در رژیم گذشته دارم که موضوع تعداد قابل توجهی از آنها مربوط به فلسطین، اسرائیل و صهیونیسم است، از جمله مرحوم استاد سیدغلامرضا سعیدی سال ۱۳۳۴ کتابی به نام «خطر جهود قدر در رسیدن به اهدافشان موفق بودند؟»

در متن جامعه ما به دلیل قدرت اسام و ایمان جامعه چندان موفق نبودند، اما در درون حکومت مسلمانان منافع اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و... داشتند، لذا از مدیران جراید، اساتید دانشگاه، نویسندگان و... برای سفر به اسرائیل دعوت میکردند. از طرف دیگر رهبران اسرائیل امثال گلدامیر، موشه دایان و... به ایران سفرهای خصوصی و علمی داشتند که در خاطرات اسدالله علم یا خاطرات منیر عزری به چند مورد اشاره شده است. در واقع امریکا، انگلیس و اسرائیل با نفوذ و سلطه در کشورمان مقاصد خود را پیاده می کردند. امروزه با توجه به اسناد ما می دانیم امثال دکتر علینقی عالیخانی، داریوش همایون، پرویز ثابتی و امیرعباس هویدا مدافع اسرائیل بودند، همچنین اسنادی هم در خصوص همکاری دکتر علی امینی در دوران نخست وزیر یاش با اسناد نیز وجود دارد. لذا همانگونه که استاد سیدغلامرضا سعیدی در ۶۰ سال قبل تحلیل نموده بودند خطر صهیونیسم برای ایران و جهان اسلام جدی است و به تعبیر شادروان جلال آل احمد اسرائیل پادگان و پایگاه امپریالیسم غرب است.

منبع: بعثت

واکنش آیت الله سیدعبدالعلی (ره) نسبت به تبعید امام (ره) به ترکیه



اگر نفوذ روحانیون باشد نمی گذارد یک دست نشانده امریکا این غلط ها را بکند، از ایران بیرونش می کنند. نفوذ روحانی مضر به حال ملت است؟ نه خیر مضر به حال شماسست. مضر به حال خائن ها است. نه مضر به حال ملت. آقاییان من اعلام خطر می کنم، در مجلس گفتند نگذارید پرده ها بالا برود، معلوم می شود برای ما خواب هایی دیده اند. از این بدتر چه خواهند کرد؟ ای سران اسلام به داد اسلام برسید. رئیس جمهور امریکا بداند این معنا را که امروز در پیش ملت ما از منفورترین افراد بشر است. ما این قانون را که به اصطلاح خودشان گذراندند، قانون نمی دانیم، ما این مجلس را مجلس نمی دانیم. ما این دولت را دولت نمی دانیم. اینها خائن اند، خائن بر کشورند...

لایحه کابینتالاسیون و اعتراض امام خمینی (ره) نسبت به این لایحه و تبعیدشان به ترکیه و واکنش حضرت آیت ... العظمی حاج سیدعبدالعلی آیت اللهی (ره) نسبت به تبعید امام، یکی از موضوعات مهم تاریخ منطقه ای می باشد، که تاکنون پژوهشی در این باب صورت نگرفته است. لذا این نوشته سعی دارد به واکاوی این اتفاق تاریخی بپردازد. با سفر شاه به امریکا در تیرماه ۱۳۴۳ و مذاکراتی که صورت گرفت، امریکا اعطای کمک های نظامی را به وضع مقرراتی در زمینه مسائل قضایی منوط کرد. شاه برای دریافت دو بیست میلیون دلار کمک نظامی، به امریکا قول مساعد داد. پس از بازگشت شاه از امریکا، لایحه کابینتالاسیون «اجازه به مستشاران نظامی امریکا برای استفاده از مصونیت سیاسی و اجتماعی و معافیت های مطرح در قرار داد وین» در مجلس سنا و مجلس شورای ملی مطرح و پس از کش و قوس های فراوان تصویب گردید. تصویب این لایحه، موجی از شگفتی و تعجب را در محافل سیاسی داخل و خارج از کشور در پی داشت. امام (ره) بلافاصله در چهارم آبان ماه ۱۳۴۳ و همزمان با سالروز میلاد حضرت فاطمه (س) به لایحه کابینتالاسیون واکنش نشان داد. امام (ره) در سخنرانی مسجد اعظم قم گفتند: «... من تا تأتار قلبی خودم را نمی توانم اظهار کنم. قلب من در فشار است، ایران دیگر عید ندارد... عزت ما پاکوب شد، عظمت ایران از بین رفت... اگر یک خادم آمریکایی یا یک آشپز آمریکایی، مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پای خود منکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلو او را بگیرد. دادگاه های ایران حق محاکمه ندارند.



رسول احمدلو

آگهی استخدام



- ۱- داوطلبان می بایست بومی باشند یا حداقل ده سال سابقه سکونت در استان فارس باشند.
- ۲- مدرک تحصیلی دیپلم یا پیش دانشگاهی در رشته های ریاضی، تجربی، انسانی و معارف با معدل حداقل ۱۴ (بستگان درجه یک خانواده معظم شهدا، جانبازان، فرزندان کارکنان نیروهای مسلح و اعضای پلیس افتخاری با حداقل ۱ سال سابقه و اعضاء فعال بسیج با معدل ۱۲ به بالا (از تاریخ ۹۶/۳/۱۶ الی ۹۶/۳/۲۵)
- ۳- داوطلبان مقطع افسری (صرفاً فارغ التحصیلان دانشگاه دولتی و آزاد) فقط در رشته های مهندسی رایانه IT و ICT زبان خارجه، حقوق، مهندسی صنایع (گرایش مدیریت سیستم و بهره وری)، مدیریت بازرگانی، صنعتی و امور بانکی و دولتی. مهندسی صنایع (گرایش برنامه ریزی و تحلیل سیستم ها)، آمار، حسابداری، مدیریت مالی، مدیریت سرمایه انسانی مجاز به ثبت نام می باشند. (از تاریخ ۹۶/۳/۲۷ الی ۹۶/۴/۱)
- ۴- حداقل سن برای مقطع درجه داری با مدرک تحصیلی دیپلم و پیش دانشگاهی ۱۸ سال و مقطع افسری با مدرک تحصیلی کارشناسی ۲۲ سال. کارشناسی ارشد ۲۴ سال، دکترا ۲۶ و دکترای تخصصی ۲۸ سال.
- تبصره ۱: داوطلبانی که خدمت سربازی را گذرانده و دارای کارت پایان خدمت می باشند ۲ سال به سن آنان اضافه می گردد.
- تبصره ۲: بسیجیان با عضویت فعال بیش از ۱ سال یا اعضای پلیس افتخاری ناجا بیش از یک سال، ۲ سال به سن آنان اضافه می گردد.
- تبصره ۳: خانواده جانبازان، نیروهای مسلح، نخبگان و استعدادهای برتر برنامه ریزی و مقامات برتر کشوری و بین المللی می باشند و تحصیل کرده ها در دانشگاه های برتر کشوری (صنعتی شریف و تهران) و حافظان کل قرآن کریم ۲ سال به سن آنان اضافه می گردد.
- تبصره ۴: بستگان درجه ۱ و ۲ شهداء شامل: برادر، خواهر، همسر و فرزندان ۵ سال تحصیلات سنی برخوردارند.
- ۵- کلیه متقاضیان می بایست دارای کارت پایان خدمت سربازی یا معافیت غیر پزشکی یا دفترچه آماده به خدمت بدون مهر غیبت یا اضافه خدمت که تاریخ اعزام آن ۹۶/۶/۱۶ به بعد باشد (جهت سربازان وظیفه در حال خدمت گواهی از یگان خدمت و اضافه خدمت می باشند)
- ۶- اصل کارت ملی
- ۷- کد پستی
- ۸- گروه خونی
- ۹- اصل نامه بنیاد شهید، جانبازان، نیروهای مسلح و بسیج فعال و پلیس افتخاری جهت دارندگان اولویت
- ۱- عکس ۳*۴ جدید تمام رخ ۱ قطعه
- ۲- اصل مدرک تحصیلی
- ۳- اصل شناسنامه عکس دار
- ۴- اصل کارت پایان خدمت یا معافیت غیر پزشکی یا دفترچه آماده به خدمت بدون مهر غیبت یا اضافه خدمت که تاریخ اعزام آن ۹۶/۶/۱۶ به بعد باشد (جهت سربازان وظیفه در حال خدمت گواهی از یگان خدمت و اضافه خدمت می باشند)
- ۵- اصل کارت ملی
- ۶- اصل گواهینامه رانندگی و مدرک آشنایی با رایانه
- ۷- کد پستی
- ۸- گروه خونی
- ۹- اصل نامه بنیاد شهید، جانبازان، نیروهای مسلح و بسیج فعال و پلیس افتخاری جهت دارندگان اولویت

شرایط اختصاصی استخدام

فرماندهی انتظامی شهرستان لارستان

خود سازی



وقت افطار است و بعد از خودکشی

پای سفره می شوم فوراً ولو

همسرم با خنده گوید شوی من

شد شهید راه جوچه با چلو

در سحر پر می کنم این بشکه را

تا که خودسازی کنم در طول روز

با تمام پر خوری هایم ولی

می پرانم چند باری هم فیوز

چون عبادت هست خواب روزه دار

روز ده ساعت عبادت می کنم

کم کمک تا نیمه ی ماه صیام

من به خود سازیم عادت می کنم

وزن من در ماه شعبان شصت و سه

لیک در شوال بالای نود

چون موثر بوده خودسازی من

می شوم از سوی مسئولین رصد

تا که راحت تر شود خودسازی ام

می کنم تعطیل حتی کار و بار

موقع افطار و هنگام سحر

ده برابر می خورم جای ناهار

هر که چون «جاوید» خودسازی کند

دین و دنیایش بماند برقرار

می شود مشتاق دیدار خدا

می رسد چون که به حال انفجار

آمد رمضان، غذا نباید بخوریم

حق زن و بچه را نباید بخوریم

از خوردن رشوه روزه باطل نشود

پاسخ بده پس چرا نباید بخوریم!؟

حاجی به دکان نشسته در ماه صیام

از صبح نبرده ذره ای قوت به کام

در خوردن هر چیز رعایت بکند

الا قسم دروغ یا مال حرام



محمد جاوید



حق به حقدار رسید

نقل کرده اند در زمان حضرت داوود علیه السلام، شخص بیکاری بوده و کار و کاسبی نداشتند. مکرر دعا می کرد: اللهم ارزقنی رزقا حللا واسعا. این دعا می کرد دائم کای خدا روزی بی رنج و زحمت ده مرا مردم او را مسخره می کردند به او می خندیدند که عجب مرد احمقی است روزی بی رنج و زحمت از خدا می خواهد و حال آنکه همه مردم به کد یمین و عرق جبین کسب می کنند و روزی می خورند حتی داوود علیه السلام به زحمت از زره سازی نان می خورد، گاهی از روی طعنه به او می گفتند، اگر چیزی پیدا کردی تنها نخوری مرا هم صدا بزن و آن مرد متصل دعایش همین بود.

تا که شد مشهود در شهر و شهیر گه ز انبان تهی جوید پنیر تا که یک روز گرسنه و ناشتا در منزلش نشسته بود و مشغول دعا بود ناگاه در خانه باز شد و گاوی سرگزارد و وارد خانه شد، آن مرد گفت: روزی حاللی که از خدا می خواستم همین است، برخواست، گاو را روی زمین انداخت و سر گاو را برید، قدری از گوشت گاو را کباب کرد و خورد که

صاحب گاو باخبر شد و به خانه آن مرد دوید، گاو را کشته دید، پرسید چرا گاو مرا کشتی، گفت: من مدتی بود از خدا روزی بی زحمتی می خواستم تا امروز برای من رسانید و دعایم را مستجاب کرد، صاحب گاو چند مشتی بر سر آن مرد فقیر زد و او را کشید و نزد داوود پیامبر برد و گفت: یا نبی... از این مرد بپرس برای چه گاو مرا کشته است، داوود پرسید: چرا کشتی!

فقیر عرض کرد: یا نبی... از همه مردم بپرسید من مدت ها بود از خداوند روزی حلالی می خواستم تا امروز برای من رسانید. گفت داوود این سخنرا شنو حجت شرعی در این دعوی بگو آن مرد عرض کرد: یا نبی... مگر وعده های خدا دروغ است، خداوند فرموده: بخوانید مرا تا دعای شما را استجابت کنم. این بگفت و گریه در شد های تا دل داوود بیرون شد ز جای حضرت داوود به صاحب گاو فرمود خواهش می کنم امروز بروید و فردا بیایید. مثنوی گوید: تا روم من سوی خلوت در نماز

پرسم این احوال از دانای راز حضرت داوود شب به مناجات رفت و حکم این مسئله را از خدا خواست، خداوند هم حکم باطن مسئله را برای داوود بیان فرمود. فردا که شد باز صاحب گاو، آن مرد را در محکمه قضاوت آورد و فریاد زد: زود گاو مرا بده ای نابکار از خدای خویشتن شرمی بدار جناب داوود در محکمه عدلیه نشست و به صاحب گاو فرمود: تو مرد مال داری هستی این مرد فقیر است گاو را به او ببخش و او را حلال کن.

حضرت داوود به مردم فرمود: این مرد شاکي، غلام پدر این مرد فقیر است، از سفری می آمدند زیر فلان درخت رسیدند، این بدبخت آقای خود را کشته و اموال او را تصرف کرده و کاردی که او را با آن کشته زیر آن درخت دفن کرده. تا کنون از بهر گاوی ای لعین می زند فرزند او را بر زمین مردم به اتفاق داوود رفتند و زیر آن درخت را شکافتند و کارد را با کشته یافتند، پس همان کارد را دست آن مرد فقیر دادند و گفتند: قاتل پدرت را بکش، او نیز قاتل پدرش را کشت و تمام اموال او را تصرف کرد.

نقطه اوج داستان، نتیجه منطقی حوادث پیشین است که پنهان مانده و در مسیر حوادث منطقی آشکار می شود. هر اثر ممکن است چندین بزنگاه داشته باشد و بزنگاهی که قوی تر است معمولا بزنگاه اصلی به حساب می آید. -گره گشایی، بی آمد وضعیت یا موقعیت پیچیده یا نتیجه نهایی رشته حوادث است و نتیجه گشودن رازها و معماها و برطرف شدن سوء تفاهم ها. در گره گشایی، سرنوشت شخصیت یا شخصیت های داستان تعیین می شود و آن ها به موقعیت خود آگاهی پیدا می کنند، خواه این موقعیت به نفع آن ها باشد یا به ضررشان.

ادامه دارد....

طوری که شخصیت میان دو عمل، دو راه باید یکی را انتخاب کند و گاهی هر دو این عمل و راه نامطلوب هم هست و انتخاب یکی از دو راه توجه خواننده را بیشتر به خود جلب می کند. -بحران، لحظه ای است که نیروهای متقابل برای آخرین بار با هم تلافی می کنند و عمل داستانی را به نقطه اوج یا بزنگاه می کشانند و موجب دگرگونی زندگی شخصیت یا شخصیت های داستان می شوند و تغییر قطعی در خط اصلی داستان به وجود می آورند. نقطه اوج یا بزنگاه، نقطه ای است در داستان کوتاه، رمان، نمایشنامه و داستان منظوم که در آن بحران به نهایت خود برسد و به گره گشایی داستان بینجامد.

داری او را به خود جلب می کنند و خواننده نسبت به سرنوشت او علاقه مند می شود. همین علاقه مندی نسبت به عاقبت کار آن شخصیت، او را در حالت انتظار و دل نگرانی نگاه می دارد و چنین کیفیتی را در اصطلاح «حالت تعلیق» یا «هول و لا» می گویند. به طور کلی این حالت به دو صورت در داستان به وجود می آید. یکی آن که نویسنده راز سر به مهری را در داستان پیش بکشد و گره افکنی کند و وضعیت و موقعیت غیر عادی به وجود آورد که خواننده مشتاق تشریح و توضیح گره گشایی آن بشود یا شخصیت و شخصیت های داستان، چه زن و چه مرد را در وضعیت و موقعیت دشواری قرار بدهد به

دعا

کن محبت تا که در گلدان دل جای دهند
شهدی از الفاظ زیبا را تو در کامت دهند
از ریاکاری اگر باشی تو دائم بر حذر
همدلان با مهربانی ها به خود گامت دهند
نیک دانی دنیا نیست بهر ماندن ای مهربان
خالق آن جای نکو در باغ رضوانت دهند
آرزوهای محال از سر برون کن جان من
با قناعت گنج هایی بیش انعامت دهند
خود مگردان پس تباه یا قصدهای اشتباه
آن هدف دان محترم کز خلق اکرامت دهند
گر دهی جهدی به افعال تو از روی خلوص
شرح صدری هم ز آن دادار دانایت دهند
گر بیابی راهکاری از برای مشکلات
شادمانان هم، تو را لبخند اهدایت دهند
شب چو بو آرند شب بوهای دور از هر ریا
خوب ماندن، گاه خلوت، بیش اعطایت دهند*
باش در کسب معاش خویشتن آزادوار
تا که حران جهان هم درس احقرات دهند
کوش در تنویر افکار همه خوبان، به عمر
با تعقل تا خداوند بیش اذعانت دهند
چون دعا باشد سلاحی بهر فتح مشکلات
« پسر امری » ز آن فتاح پاداشت دهند*

کسانی که از پروردگارش در نهان می ترسند مسلماً آموزش و پاداش بزرگی دارند.

مُلک ۱۲ / علی اصغر داستان لار

داستان نویسی

(قسمت چهاردهم)

تعلیق بحران

نقطه اوج

گره گشایی

دنیال کردن ماجرای داستان، زیادتز. شخصیت اصلی یا یکی از شخصیت های داستان اغلب همدردی یا جانب

-حالت تعلیق یا هول و لا، با گسترش پیرنگ، کنجکاو خواننده بیشتر می شود و شور و اشتیاقش برای

به راحتی می شود کسی را که دوستش داریم از خود برنجانیم، ولی
به سفتی می شود این رنجش را جبران کنیم.
به راحتی می شود کسی را بفشید، ولی به سفتی می شود از کسی
تقاضای بخشش کرد.
به راحتی می شود در مورد اشتباهات دیگران قضاوت کرد، ولی
به سفتی می شود بدون فکر کردن حرف زد، ولی به سفتی می شود
به راحتی می شود برون فکر کردن خود را پیدا کرد.
به راحتی می شود کنترل کرد.
به راحتی می شود قانون را تصویب کرد، ولی به سفتی
می شود به آن ها عمل کرد.
به راحتی می شود به رویاها فکر کرد، ولی به سفتی می شود
برای به دست آوردن یک رویا جنگید.
به راحتی می شود هر روز از زندگی لذت برد، ولی
به سفتی می شود به زندگی ارزش واقعی داد.
به راحتی می شود به کسی قول داد، ولی
به سفتی می شود به آن قول عمل کرد.
به راحتی می شود اشتباه کرد، ولی
به سفتی می شود از آن اشتباه
درس گرفت.
به راحتی می شود گرفت، ولی به سفتی
می شود بخشش کرد.

مواظب این به راحتی ها باشیم

تا زندگی را به راحتی هدر ندهیم.



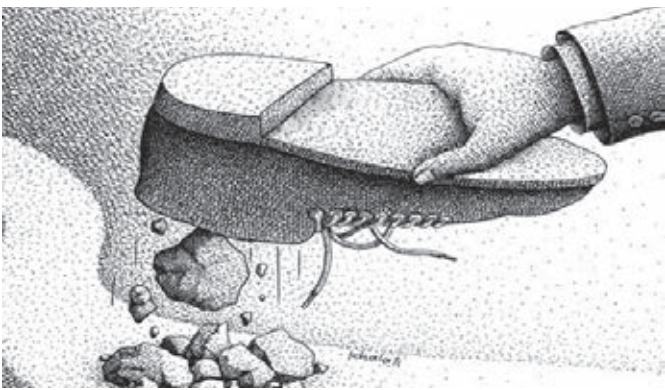
حمام شهرداری

اون وقت‌ها که کوچیک بودیم گرمابه‌ای بود نزدیک خانه‌امان به نام «حمام شهرداری یا شهرداری»، در محله آردفروشان . یعنی از سمت سه راه میدان که می‌آمدی بالاتر به یه سه‌راهی دیگه می‌رسیدی به نام سه‌راه گردان . سمت راست می‌رفت محله درویشان و خیابانی که منتهی می‌شد به گردان ژاندارمری و اگه ادامه می‌دادی می‌رسیدی به جاده فرودگاه . سمت چپ هم که کوچک‌ای بود پارک که محضر مرحوم علوی اونجا بود و بالاترش حمام شهردار و اگر ادامه می‌دادی می‌رسیدی به بازار قیصریه . محله آردفروشان و بازار قیصریه . حمام شهرداری، هم زبانه داشت و هم مردانه که دیوار به دیوار هم بودند. وارد حمام که می‌شدی دالان باریکی می‌دیدى که دو طرفش حمام‌های نمرة قرار داشت که صدای ریخته شدن آب و گه‌گاهی افتادن لگن‌های معدنی، گوشت رو نوازش می‌داد . انتهای راهرو، یه میز کوچک بود که خدا بیمارز حیدر حمامی پشت اون می‌نشست و از پشت اون عینک ته

استکانیش ازت می‌پرسید: نمرة یا عمومی؟ و تو باید انتخاب می‌کردی و بسته به شلوفی یا خلوتی حمام باید منتظر می‌ماندی. حمام نمرة یک «بنه» داشت برای در آوردن لباس و دوش آب گرم و سرد و یکی دوتا کاسه و یه لگن کوچک معدنی. قبل از ورود به نمرة، مرحوم حیدر ازت می‌پرسید: شامپویی، صابونی، چیزی لازم نداری و تو انتخاب می‌کردی. شامپو تخم‌مرغی تپل داروگر یا اون بلدناش و یا نه شامپو تک نفری‌هایی که مثل سوسیس به هم چسبیده بودند و با پیچی جداس می‌کردند و صابون نخل با اون کاغذ سبز و قشنگش که چه بوی خوبی داشت. و گاهی از روی شیطنت به قسمت عمومی حمام می‌رفتیم پر بود از مردهای جور واجور که دلاک اونارو مشت و مال می‌داد و کیسه می‌کشید و به قولی چرک می‌کرد. خدایبیمارز، چه خوب یادمه، دامادی پسر کل کاظم وقتی آوردنش حمام، با سلام و

عسل و گل

«ریگ به کفش داشتن»



رو برای ساختن حمام فراهم بشه. استاد محمدحسن خدایبیمارز هم دستورات لازم رو برای تهیه مصالح صادر فرمود و پس از چند روز کار ساخت شروع شد. اون زمان مثل الان نبود که کارگر رو به حال خودش رها کنند یا به قول معروف کتترات بدهند، کارگرها مورد احترام خاص صاحب‌خانه بودند. بی‌بی خدایبیمارز کلمن آب سرد و بساط چایی رو لب حوض می‌گذاشت و خودش می‌رفت توی آشپزخانه. ساعت ۱۰ صبح که می‌شد یه صبحانه مشتمل با تپتبی و خیارزه و خرما مهیا می‌کرد تا کارگرها با قوت بیشتری کار کنند و انصافا اونا هم چیزی کم نمی‌گذاشتند. ظهر هم که می‌شد توی اتاق پذیرایی سفره می‌انداخت و یه ناهار حسابی بهشون می‌داد و اوسا عمله‌ها بعد از خوردن و یه استراحت جانانه تا نزدیکی‌های غروب کار می‌کردند و هنوز عرق شون خشک نشده بود که باباحسین مزدشون رو می‌داد. خلاصه حمام آماده شد. حمامی که آب گرمش با یه آب گرم‌کن نفتی گرم می‌شد. یادمه یه چند باری، همسایه‌ها هم آمدند و از این حمام تازه تأسیس ما استفاده کردند تا این که خودشون هم حمام‌دار شدند. چه روزگاری داشتیم حتی همین حمام هم باعث به وجود آمدن همدلی مردم می‌شد ولی مسافانه این روزها با همه امکانات مدرن، دلها از همدلیگه دورتر می‌شه.

این ضرب المثل یعنی فرد غیرقابل اطمینان است و مکر و حيله ای در سر دارد. ریشه آن بر می گردد به اینکه در قدیم، یک جا برای پنهان کردن سلاح برای مواقع دفاع از خود و حمله به دشمن ساقه کفش بود. در ساقه پوتین یا چکمه شمشیر و خنجر و سنگ و ریگ می توان پنهان کرد که دیده نشود و موجب بدگمانی نشود ولی در موقع مقتضی از آن استفاده کرد. وقتی می گویند فلانی ریگی به کفش دارد یعنی ظاهرا شخص سالم و بی خطری به نظر می آید اما در موقع مناسب باطن بد خود را ظاهر می کند و خطر می آفریند. روزی روزگاری در سرزمینی بسیار دور، مرد دانا، شجاع و جنگاوری به نام سنجر زندگی می کردو همیشه قبل از جنگیدن خوب فکر می کرد. روزی حاکم به او گفت: قرار است کاروانی از هدایای بسیار گران قیمت به نشانه ی پایان جنگ به کشورمان وارد شود. من به این کاروان اعتماد ندارم. چون سال ها با این کشور در جنگ بوده ایم. شاید آوردن هدایا حيله باشد و نقشه ی شومی در سر داشته باشند. سنجر تا رسیدن کاروان هدایا خوب فکر کرد. او به سربازان سپرد که کسی را به شمشیر و نیزه و خنجر به قصر راه ندهند. اما تازه واردان هیچ اسلحه ای همراه خود نداشتند. کاروان پادشاه کشور همسایه بدون هیچ مشکلی وارد



حمیدرضا پریدار



یکی دیگر از کارهای مهم که قبل از آمدن این ماه صورت می گیرد، دیدوبازدید از اقوام، رفع کنورت ها و برقراری آشتی ها است چرا که مسلمانان عقیده بر آن دارند که اگر مسلمانی بیش از سه روز با مسلمان دیگری در قهر به سر برد خداوند هیچ یک از عبادات او را موردقبول قرار نمی دهد. گاه این تفریحات به صورت رفتن به صحرا، کوه و دمن بوده و به تناول انواع اغذیه پرداخته و چشم و دل را برای یک ماه سیر می کردند. در لارستان نیز مردم معتقدند برای استقبال از این ماه یک روز جلوتر - یعنی آخرین روز ماه شعبان را رمضان می روند، اما افطاری مفصلی چون ماه رمضان نمی خورند، « پشواز » روزه می گیرند. در ابتدای ماه رمضان در لارستان رسم بر این است که اگر دختری عقد بود از خانه مادرشوهرش ۳ یا ۴ خشک یا « تر» برایشان رضانی آورده و اگر ازدواج کرده بود از خانه مادرش. رضانی به دو صورت بوده که تر شامل: یک سطل فالوده لاری، بیست تا شل شل (نوعی نان)، بیست تا بالاتوا (نوعی نان)، چهار دیس حلوا و چهار دیس یغدر، شیره، مغزگردو، سرشیر، گلاب. بیست کیلو شمشیر، نیم کیلوگرم مغز خلال پسته و خلال بادام. همچنین یک جفت گوشواره یا انگشتر (در هر دو حالت طلا شامل می شود). در شب قبل عید فطر نیز یکدست لباس کامل با یک تکه طلا به عروس میدی می دهند (بازهم بسته به عقد و عروسی بین مادر و مادر شوهر تقسیم می شود).

منبع: باورهای عامیانه در لارستان - ساره شهپر

شایعه وجود گنج در روستای «ارد» شهرستان گراش

از اساس تکذیب می‌شود. به گزارش میراث فرهنگی لار ماموران یگان حفاظت به آنجا مراجعه کرده و برای انجام کار کارشناسی بیشتر کار متوقف شده است. مدیر پایگاه میراث فرهنگی لار، افزود: این امر سبب شده شایعاتی درباره کشف گنج و شے تاریخی در این روستا در فضای مجازی منتشر شود که

دارد، پس از اطلاع مسئولان گراش به شیبانی، مدیر پایگاه میراث فرهنگی لار، درباره مطالبی که در فضای مجازی پیرامون وجود و کشف گنج در روستای ارد شهرستان گراش منتشر شده اظهار داشت: این مطالب شایعه است و از اساس تکذیب می‌شود.

وی گفت: در حین عملیات ساختمانی در روستای ارد به زیرزمینی برخورد شده که طاق آجری و حالت شیبستان

رمضان در فرهنگ مردم لار



بیشتر به چشم می خورد و نمود دارد. شهر لار نیز که از دیرباز به عنوان یکی از شهرهای مذهبی در دید عموم بوده است در برپایی این رسومات ویژگی های منحصر به فرد و کهن خود را همچنان پاس داشته و سعی در حفظ آن ها دارد. اکثر این آداب ریشه دینی دارند و مورد توجه عموم هستند. در این ماه که مردم با خلوص نیت برای انجام تکالیف شرعی مهیا می شوند تلاش می کنند که تشریفات آن را تمام و کمال برپا دارند. منطقه لارستان به لحاظ وسعت و غنای فرهنگی حیطه ارزشمندی جهت تحقیقات میدانی مردم نگاری و مردم شناسی است که تاکنون کارهای بسیاری توسط اساتید در زمینه های فلکلور منطقه به صورت کتاب و مجله و روزنامه چون میلاولارستان

دستور تهیه حلواي مقراضي لاری



این حلوا مخصوص ماه مبارک رمضان است همچنین برای عید فطر عروس خانمها و در عزاداری‌ها نیز استفاده می‌شود. در مجلس عزاداری، خوشاوندان یا همسایگان برای صاحب عزا می‌فرستند تا مردم بخورند و فاتحه بخوانند.

مواد لازم برای ۶ یا ۵ بشقاب یا ۳ تا ۴ دیس:

نشاسته: نیم کیلو
شکر: ۲ یا ۵/۲ کیلو
روغن مایع: ۲۵۰ گرم
آب: ۳ قوطی شیر گیگوز (بیمانه بی‌بی)
خلال مغز بادام: یک استکان (به دلخواه کمتر یا بیشتر کنید یا مغز پسته و مغز بادام دو کپه شده
زعفران آب کرده: نصف استکان
هل و گلاب: به اندازه دلخواه
طرز تهیه:
نشاسته را قبلا با کمی آب خیس کرده

و الک می‌کنیم تا صاف شود. بعد آن را با آب و شکر و کمی از روغن که داریم در ظرف مخصوص حلوا پختن که به آن حلوا سازی می‌گویند می‌ریزیم و روی اجاق گذاشته با آسمه مسی (کفگیر) هم می‌زنیم تا ته نگیرد.

هشدار پلیس فتا استان فارس



فالگیری و گرگ کشایی در فضای مجازی

علاقه انسان ها به اطلاع از آینده، همواره باعث شده تا کلاهبردارانی چه در فضای مجازی و چه در فضای سنتی بتوانند تحت عنوان فالگیری، بخت گشا، باطل کننده سحر و جادو و ... جولان دهند.

فضای مجازی و فرصت دیده شدن توسط عام، این روزها این اجازه را به کاربران داده تا بتوانند با طیف گسترده ای از مردم ارتباط برقرار کنند و تبلیغ و تلمیح کنند. آنها با راه اندازی اکانت های کاربری در اینستاگرام و تلگرام و ... و با تبلیغات خلاف واقع توسط تعدادی که عموماً خودشان هستند و با اکانت های مختلف کامنت می گذارند، از گرفتاری و مشکلات مردم استفاده کرده و آنها را با تبلیغات دروغین جذب خود می کنند و با دریافت وجه های مختلف برای به اصطلاح قربانی یا صدقه یا دعا یا ... مشکل آنها را برطرف کنند. فالگیران نیز تنها با دانستن نام افراد، از شبکه های اجتماعی استفاده و اقدام به پیشگویی می کنند در حالی که این اطلاعات را خود مردم از طریق شبکه های اجتماعی شان در اختیار آنها قرار داده اند چرا که

با استفاده از اطلاعاتی که رموزانه از خود شما گرفته اند، از تمام زوایای زندگی شما، از طریق مشکلات و سوالاتی که خودتان با آنها مطرح کرده اید با خبر شده و از نقطه ضعف های شما برای اخذی از شما استفاده می کنند.

حتی گاهی این کلاهبرداران با استفاده از ناگامی افراد استفاده و آنها را به وب سایت های خودشان هدایت می کنند و در آنجا با انجام کلاهبرداری فیشینگ، اقدام به سرقت اطلاعات کارت اعتباری آنها و سوء استفاده مالی می نمایند.

حتی گاهی این کلاهبرداران، با اطلاع از زندگی شخصی افراد و دانستن نقطه ضعف آنها، اقدام به تهدید آنها به افشای اطلاعات و اخذی از آنها می کنند.

قانون گذار فالگیری و طالع بینی را اگر منجر به رد مال و پول شود، مسدود کلاهبرداری دانسته و برای آن مجازات تعیین کرده است و در مورد جرم بودن آن فرقی بین دنیای واقعی و فضای مجازی وجود ندارد. زیرا همین فالگیری ها می تواند زمینه ساز جرایم دیگری نظیر سرقت، تجاوز به عنف، قتل و ... باشد.

ساعت بیولوژیک بدن چگونه کار می کند؟



چون لخته شدن خون بیشتر از همه در این ساعت از روز است. ساعت بیولوژیک تنظیم کننده همه اعمال ریز و درشت موجودات است. اینکه چقدر و چگونه حرارت بدن در طی روز و شب افزایش می یابد. یکی از دلایل اصلی بیخوابی به خاطر اختلالاتی است که مدام به سیکل زمان وارد می سازیم. ساعت بیولوژیک هر فرد اصلاً محدود به عادت به خوابیدن و بیدار شدن نیست. چشم هراسان باریتم مشخصی که ترکیبی از ژن، تربیت و موقعیت زندگی اش است مغز را بیدار می کند. سلول های بیدار کننده مغز، ساعت وجدولی را در بدن به راه می اندازد. براساس تقسیم کار اعضای بدن به نوبت یک قسمت فعال می شود و بخش دیگری کمتر کار می کند. برای همین، مثلاً خوردن لقمه های کوچک در دبروقت، میتواند باعث بیدار شدن وازسر گرفتن پانکراس یا جگر انسان شود. اتفاقی که به همراه خود شرایط ایجاد مرض قند را تشدید سازد. سلول های ایمنی بدن از مقدار گلبول سفید و قرمز گرفته تا اندازه هورمون ها، ساعت های معینی از اوج و فرود دارند. ساعت بیولوژیک نبض زندگی و شتاب یا سکون بی موقع شان، خطرات زاینباری در دراز مدت خواهد داشت.

چون خوردن ساعت طبیعی بدن هم موجود زنده یک ساعت درونی مخصوص خودش را دارد که آن را براساس نیازش تقسیم بندی ثابت کرده است. خفاش عصره بیدار می شود تا بیشترین مقدار پشه در دسترسش باشد. باکتری ها ظاهر هادست از تکثیر برمیدارند و به نوعی خود را به خواب میزنند. چون ظهرواحتی در طی روزهای ابری ، بالاترین مقدار اشته اوتراویولت وجود دارد. این ساعت درونی در بین تمام موجودات زنده قدمتی بیش از ۲ میلیارد سال دارد و به دورانی برمیگردد که به یکباره اتمسفر زمین تغییر حالت داد و سرشار از اکسیژن گشت. ریتم زندگی در سبزه چرخان ما براساس ۲۴ ساعت می گردد و حتماً ساکنین آینده در مریخ یا کرات دیگر باید خود را با ساعت بیولوژیک آنجا تطبیق دهند. متخصصین بهداشت و سلامت می دانند که به هم خوردن ساعت طبیعی بدن، باعث انواع اختلالات مانند بیماری قلبی، مرض قند و سرطان می شود. پزشکان متخصص سرطان از ۳۰ سال پیش میدانند که بهترین زمان برای شرب درمانی، شب هاست. چون هم سیستم ایمنی مادر بهترین حالت قرار دارد و هم قدرت تحمل مواد شیمی درمانی در مابیشتر است. آمارها نشان می دهد که بیشترین مقدار سکنه در روزهای اول هر هفته به وقوع می پیوندد چون در زمان تعطیلات، افراد معمولاً ساعت درونی شان یا circadian system را به هم میزنند و قلبشان را خسته میکنند. براساس تحقیقاتی که متخصصین انجام داده اند بیشترین وقت سکنه ساعت ۸ تا ۹ صبح است.



تهیه کننده: سید عبدالحسین واعظ زاده

«تانک نجف» به موزه دفاع مقدس منتقل می شود



کاخ زمینی، در گفت و گو با خبرنگار میلاد لارستان در تشریح پروژه های عمرانی گلزار شهدای مرکزی شهر لار با بیان اینکه با شروع جنگ تحمیلی و ورود شهدا به شهر لار در آن زمان حضرت آیت الله سید عبدالعلی آیت اللهی (ره) امام جمعه فقید لارستان زمینی که هم اکنون گلزار شهدا در آن مستقر شده است را برای دفن شهدا در اختیار بنیاد شهید قرار دادند، افزود: پیش از آن تعدادی از شهدای لارستان در مکان های دیگر دارالرحمه قدیم دفن شده بودند که اولین آنها شهید صادق امانت بود.

وی افزود: نخستین شهیدی که در گلزار شهدای لار نیز دفن گردید شهید محبی بود.

این رزمنده هشت سال دفاع مقدس، با بیان اینکه پس از جنگ تحمیلی کار ساخت و تزئین گلزار شهدای لار توسط بنیاد شهید صورت گرفت تا مکان مناسبی که زیننده شهدا بود برای زیارت مردم ایجاد شود، ادامه داد: در سال ۱۳۸۸ تفاهم نامه ای بین وزارت کشور و بنیاد شهید منعقد گردید مبنی بر اینکه در هر شهرستان در کنار گلزار شهدا، مکانی نیز بعنوان قطعه رزمندگان تخصیص یابد که متأسفانه این کار در لار پیگیری نشد و بر روی زمین ماند تا اینکه در سال ۹۲ که اوایل دوران فرمانداری آقای نجیب زاده که خدمت ایشان رسیدیم و درخواست اجرای این تفاهم نامه را در لار کردیم. وی تصریح کرد: فرماندار وقت لارستان نیز که خود از رزمندگان جنگ هستند دستور تشکیل هیئت امنای ایثارگران و رزمندگان را دادند که علاوه بر حضور نمایندگان ادارات مرتبط، سه تن از رزمندگان دفاع مقدس آقایان زینلی، اخلاقی و زارع نیز در آن حضور داشته باشند که البته باید اشاره کرد دستخط و اجازه آقای آیت اللهی مبنی بر واگذاری زمین حیاط گلزار شهدا برای رزمندگان را از قبل در اختیار داشته ایم.

زینلی، با اشاره به اینکه پس از گذشت ۴ سال از تشکیل این هیئت امنای قریب به ۵۰۰ میلیون تومان جهت فضا سازی

که هزینه آن را خود رزمندگان تامین نموده اند، تعبیه مکانی برای دفن رزمندگان دفاع مقدس که در فاز اول ۸۷ قبر آماده سازی شده است و در فاز دوم نیز ۳۷۰ قبر را در حال ساخت است.

این فعال اجتماعی، از دیگر کارهای صورت گرفته را ساخت سرویس بهداشتی جدید توسط غلامعباس امینیان با هزینه ای بالغ بر ۱۰۰ میلیون تومان، ساخت سرایداری به همت خانواده شهید علیشیری، ساخت لوح یادبود عکس شهدایی که در خارج از گلزار شهدای شهرستان مدفون هستند و آجرنمای دیوار اطراف گلزار اشاره کرد.

زینلی، با برشمردن فازهای مختلف پیش بینی شده برای ساخت موزه دفاع مقدس در مکان پارک کوثر جنب گلزار شهدا، گفت: زمین این موزه

۸۵۰ متر مربع از طرف شهرداری لار در اختیار هیئت امنای قرار گرفت که در سه فاز احداث می شود.

وی تصریح کرد: در فاز نخست سالن روایتگری (شهید رحمت الله نجیب زاده) با زیر بنای ۳۲۰ متر مربع، در فاز دوم موزه دفاع مقدس با حدود ۳۵۰ متر مربع و فاز سوم نیز شامل کتابخانه دفاع مقدس می شود که دارای ۱۳۵ متر مربع زیربناست و با کمک خانواده شهید نوربخش احداث می شود.

این رزمنده لارستانی، یادآور شد: موزه دفاع مقدس فقط در مرکز استان وجود دارد و ما اولین شهرستانی هستیم که در حال ساخت این مهم هستیم.

زینلی، با بیان اینکه هنوز منبع خاص مالی برای ساخت خود موزه مشخص نشده است، ابراز امیدواری کرد با کمک خیرین یا خود رزمندگان کار ساخت موزه اجرایی شود.

وی با اشاره به اینکه زمین و نقشه کار کاملاً آماده ساخت است، تصریح کرد: ساخت سالن روایتگری به کمک خانواده شهید نجیب زاده آغاز شده اما برای ساخت خود موزه هنوز کسی پیشقدم نشده است و با تفاهم نامه ای که با برخی ادارات منعقد شده، هر کدام از ادارات به نوبه خود برای ساخت این مهم اقداماتی انجام می دهند.

این فعال فرهنگی، گفت: قطعه والدین شهدا با کمک شهرداری و بنیاد شهید با ۸۰ قبر برای دفن خانواده شهدا احداث شده است.

وی از مهندسان پروژه ها آقایان فهیم، بینا، پرهیز و فرخاری که بدون هیچ هزینه و چشم داشتی همکاری داشته اند، تشکر کرد.

زینلی از اعضای شورای اسلامی شهر لار در دور چهارم به جهت مصوبه تغییر نام پارک کوثر به پارک موزه دفاع مقدس تشکر کرد و گفت: قرار شد تانکی که یادگار شهید نجفعلی مفید بود را به این مکان جابجا کنند تا زیباتر جلوه کند.

وی از اعضای جدید شورای شهر لار خواست تا با الحاق پارک کوثر به موزه دفاع مقدس با توجه به استقبال مردم بخصوص مسافران نروزی از این پارک بتوان شهدای لارستان را با توجه به برنامه ریزی های صورت گرفته بهتر معرفی کرد.

این رزمنده لارستانی، به شورای شهر و شهرداری لار پیشنهاد کرد تا با توجه به دفن ۱۶ شهید در محوطه دارالرحمه قدیم، کل دارالرحمه را به گلزار شهدا واگذار نمایند تا بتوان از این محیط معنوی بهتر بهره برداری نمود.

زینلی از رزمندگان و جانبازان دفاع مقدس در لارستان تقاضا کرد با حضور در بنیاد شهید تشکیل پرونده دهند تا بتوان بر اساس آن، برنامه ریزی هایی در جهت رفاه حال آنها انجام داد.

وی در پایان از خانواده معظم شهدا و رزمندگان خواست تا وسایلی که مربوط به شهادت و یادگار بهایی که از جنگ در اختیار دارند برای قرار دادن در موزه شهدا در اختیار هیئت امنای گلزار شهدا قرار دهند.

درخواست اهالی درز و سایبان از مسئولین مخابرات لار و شرکت همراه اول

حاضر نبوده و در زمان قطعی شبکه همیشه دو تا سه روز ارتباط اهالی قطع میگردد.

لطفاً مخابرات و بویژه شرکت همراه اول احساس مسوولیت بیشتری کنند و یک نیروی بومی جهت رفع اینگونه مشکلات بکار گیرند.

شرکت همهر اول آمده است: منطقه درزوسایبان دارای حداقل بیش از بیست هزار مشترک مخابراتی (تلفن و اکثراً همراه اول) میباشد. با یک حساب سرانگشتی ماهیانه حدود ۲۰۰ میلیون تومان درآمد مخابرات است اما متأسفانه نیروی اتفاقات در این منطقه

یکی از کاربران میلاد لارستان با ارسال پیامی خواستار حل مشکلات حوزه مخابرات و سامانه تلفن همراه در منطقه درز و سایبان و تخصیص یک نیروی بومی جهت حل مشکلات شده است.

در پیام این کاربر محترم خطاب به مسئولان مخابرات لارستان و مسئولین



بازی برای افزایش تمرکز



همه‌انگهی چشم و دست او کمک می کند پس اگر توانایی این کار را ندارد با او تمرین کنید.

باز کردن در بطری

تمام کودکان به این کار علاقه نشان می دهند بطری هایی با سایزهای مختلف را اختیار کودک بکنارید و اجازه دهید با باز کردن در آنها سرانگشتان خود را تقویت کند.

خمیر بازی

خمیر بازی، گل رس یا حتی خمیر نان در اختیار کودکان بگذارید و اجازه دهید ابتدا اشکال ساده تری مثل توپ و مار و به مرور اشکال پیچیده تر و دویعدی درست کند.

نقاشی کردن

نقاشی چه با دست چه قلمو چه اسفنج تمرین خوبی برای سرانگشتان کودکان است. سعی کنید به کودک ابزارهای مختلفی بدهید و او را با انواع تکنیک ها مثل آبرنگ، گواش، مدادرنگی، مداد شمعی و... آشنا کنید.

لباس پوشیدن

به کودک فرصت دهید تنهایی لباس پوشیدن را بیاموزد. ابتدا از پوشیدن جوراب، کفش، شلوار و لباس شروع کنید و به تدریج دکمه بستن و بالا کشیدن زیپ و بستن بند کفش را به کودک آموزش دهید.

آب بازی

آب بازی تمرین خوبی برای تقویت سرانگشتان کودکان است و در ضمن می تواند در هماهنگی چشم و دست کودک تاثیرگذار باشد. در حمام به کودک ظروفی دهید تا آب را داخل آنها و از ظرفی درون ظرف دیگر بریزد. عروسک ها را به او بدهید تا حمام کند و آنها را بشوید.

شمارش با دست

از کودک بخواهید با انگشتانش برایتان تا ۵ بشمارد یا سکه ای را از روی میز به کمک شست و انگشت اشاره بردارد. می توانید از او بخواهید با ۲ انگشت مرتب میز را لمس کنید. مثلاً اول با شست و انگشت اشاره و بعد با شست و انگشت وسط و تا آخر. می توانید از اعضای خانواده دستبند یا گردنبند کودک بخواهید نخ را دور یک انگشت بعد بعد ۲ انگشت و بعد ۳ انگشت و در نهایت دور مچش ببیچد.

سایز مدادها را کوچک تر کرده و در نهایت از انواع چوبی با اندازه معمولی استفاده کنید.

نخ کردن

مهتر و مروریدهای گوناگون در سایزهای مختلف بخردید و از کودک بخواهید آنها را درون نخ کند و برای اعضای خانواده دستبند یا گردنبند درست کند. حتی می توانید از برخی مواد غذایی مثل انواعی از ماکارونی ها برای این کار استفاده کنید.

اجازه بدهید کودک کار با قیچی را فرا بگیرد. ابتدا کودک تنها می تواند خطوط صاف را قیچی کند اما به مرور یاد می گیرد اشکال هندسی را در آورد و همین کار نه تنها به افزایش خلاقیت در او کمک می کند بلکه مهارت های ظریف انگشتان و هماهنگی چشم و دست او را هم تقویت می کند. از فرزندان بخواهید دور دست خودش روی کاغذ خط بکشد و بعد با قیچی آن را در آورد.

نقاشی کشیدن یا قلم های درشت

برخی مداد رنگی ها و ماژیک ها از انواع معمولی ظاهراً هستند. در صورتی که فرزندان در گرفتن مشکل دارد از این نوع قلم ها استفاده کنی. بعد به مرور

شگفتی‌ها از منظر امام بیان



۵- عَجِبْتُ لِمَنْ بَرَى أَنَّهُ يُنْقِصُ كُلَّ يَوْمٍ فِي نَفْسِهِ وَعَمْرَهُ وَهُوَ لَا يَتَأَلَّبُ لِلْمَوْتِ

در شگفتیم از کسی که روزانه کم شدن عمر و بدن خود را می‌بیند و آماده مردن نمی‌شود.

مايه شگفتی است. می‌توان عمر را به قطعه‌ای یخ تشبیه کرد که آدمی آن را در کف دست گرفته و لحظه به لحظه آب شدن آن را می‌بیند و در مدت زمانی اندک چیزی از آن نمی‌ماند. سعدی همین مطلب را در این بیت آورده که:

عمر برف است و آفتاب تموز اندکی مانده خواجه غره هنوز



۶- عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي الطَّعَامَ لِأَذْيَتِهِ كَيْفَ لَا يَحْتَمِي الذَّنْبَ لِأَلِيمِ عَقُوبَتِهِ

در شگفتیم از کسی که از خوردن به خاطر آزار آن دوری می‌نماید، چگونه از گناه به خاطر کیفر دردناک آن باز نمی‌ایستد.

واژه یحتمی که مضارع باب افعال است مصدر ثلاثی مجرد آن حمی یحیی از باب ضرب بضر به معنی اجتناب و نگاه داشتن و پرهیز نمودن است.

طبعاً انسان حاضر نیست هرگونه غذایی بخورد و هر نوع نوشیدنی بیاشامد زیرا حیانت نفس یکی از تمایلات غریزی مشترک بین انسان و حیوان است حیوانات براساس غریزه و انسان‌ها براساس عقل و آگاهی از آنچه که برای خود مضر تشخیص می‌دهند اجتناب می‌نمایند.

امروزه عادت عمومی شده که برای مصرف هر چیزی حتی برنج و حبوبات یا آب معدنی به تاریخ تولید و مصرف آن می‌نگرند و اگر تاریخ مصرف آن گذشته باشد از خوردن آن پرهیز می‌نمایند. یا یک انسان که به سرماخوردگی معمولی مبتلا شده از خوردن آب سرد و غذاهای سرخ شده دوری می‌کند، همه اینها که گفته شد در جای خود صحیح و باید همینطور باشد زیرا سلامت نفس از واجبات است و انسان اجازه ندارد سلامتی خود را به خطر افکند شگفتی اینجاست که چرا انسانی که حاضر نمی‌شود با استفاده از ماده غذایی ناسالم یا مضر خطر جسمی و جانی برای خود فراهم سازد چگونه به کیفر گناه اعتنایی ندارد و با ارتکاب آن خود را به خطرات می‌افکند و برای خود آتش جهنم فراهم می‌سازد و از عقوبت آن هیچ هراسی به خود راه نمی‌دهد.

لازم به ذکر است شبیه مطلب بالا امام (ع) در فرآزی دیگر کنایه‌گونه ذکر می‌فرماید که:

عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ اللَّيْثَاتِ فَلَمْ يَكْفُ در شگفتیم از کسی که از شیبخون (مرگ) می‌ترسد پس باز نمی‌ایستد. شیبخون کنایه از ناگاه رسیدن است که آدمی بی‌توجه به خطرات آن بی‌ترس و هراس راه خود می‌سپرد.

سعدی می‌گوید: گرگ اجل یکایک از این گله می‌برد وین گله را بپین که چه آسوده می‌چرد واژه «فَلَمْ يَكْفُ» اشاره به پرهیز از گناه و دوری از آن است.

این نکته ضرورت دارد که کیفر همه گناهان اخروی نیست بلکه برخی از آنها در همین دنیا دامن انسان را می‌گیرد و سموم مهلک گناه در حیات مادی، انسان را می‌سوزاند و زندگی آدمی را به جهنم کج‌اندیشی و انحراف و بلا و نفاق و فریب و دروغ سوق می‌دهد به عبارت دیگر کیفر دردناک برخی اعمال اجازه کشاندن قضیه به عالم دیگر هم نمی‌دهد و انسان ناآگاهانه یا آگاهانه به جهنم غرق می‌شود زیرا جهنم اعمالش، او را احاطه کرده و نمی‌داند.

شش‌دانگ یک باب خانه به شماره پلاک ۴۵۳۳/۸ بخش ۲ یخس ۱۸ فارس واقع در شهر قدیم، شهرک میزراتیا، خیابان مروارید ۴، کد پستی ۴۹۴۹۷-۷۴۳۱۶ دارای یک انشعاب برق، یک انشعاب گاز و یک انشعاب آب نیم‌اینچ با اسکلت آجری دارای کلاف بندی افقی و قائم با طرح دوپلکس در سمت شمال ملک و اعیانی کل برابر ۱۷۵ متر مربع و عرصه ۳۵۰ متر مربع می‌باشد.

قیمت کارشناسی سه میلیارد و یکصد میلیون ریال (معادل ۳۱۰۰۰۰۰۰ تومان) تعیین گردیده است. شرایط مزایده: ۱- مزایده اقلام فوق از قیمت پایه شروع می‌شود. ۲- مورد مزایده به هر کس که بالاترین قیمت پیشنهاد نماید فروخته خواهد شد. ۳- اجرای احکام حقوقی شعبه اول در رد یا قبول پیشنهاد اختیار قانونی دارد. ۴- هر کس مایل به شرکت در مزایده باشد می‌تواند ظرف ۵ روز قبل از تاریخ مزایده جهت اطلاعات بیشتر به دایره اجرای احکام حقوقی شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی لارستان مراجعه نماید. ۵- ۱۰٪ قیمت مورد مزایده از شخص برنده مزایده فی‌المجلس دریافت می‌گردد مابقی پس از ۲۰ روز از تاریخ مزایده بایست پرداخت گردد. ۶- در صورتی که برنده مزایده از پرداخت مابقی وجه یا برداشتن مورد مزایده خودداری نماید مبلغ مذکور (ده درصد) پس از کسر هزینه‌های اجرایی به نفع دولت ضبط خواهد شد. ۷- دادرسی شعبه اول اجرای احکام حقوقی دادگستری لارستان - سیدرحیم روان‌بین م/الف/ ۳۲۳

فراز اخیر نیز مانند سایر فرازهاست با این تفاوت که امام(ع) در این جملات از تضعیف بدن و نقص و کمبود عمر به مهیا شدن برای مرگ پلی می‌زنند در عبارت دیگر از بعد مادی بدن به بعد غیر مادی حیات اخروی راهی می‌گشایند و هشدار می‌دهند. زیرا وقتی برای انسان در این دنیا عمر دوباره‌ای میسر نیست و راه چاره‌ای جز مرگ وجود ندارد، مهیای مرگ نشدن

۴- **بلاغت امام حسن علیه السلام** - محب‌الدین طبری - از علمای اهل سنت - آورده که روزی معاویه به آن حضرت عرض کرد: بلند شو و برای مردم خطبه بخوان. ابوسعید می‌گوید: امام در بین خطبه‌اش فرمود: « ای مردم! هر کس مرا شناخت، که شناخته و هر کس مرا نشناخت، من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من فرزند رسول خدایم. من فرزند بشارت دهنده‌ام. من فرزند بیم دهنده‌ام. من فرزند چراغ نورافشانم. من فرزند زینت آسمانم. من فرزند کسی هستم که به عنوان رحمت عالمیان معوت شد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انس مبعوث گشت. من فرزند کسی هستم که زمین برای او محل سجده و طهارت قرار داده شد. من فرزند کسی هستم که خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و کاملاً پاکشان نمود...»

۴- **حلم و بردباری امام حسن علیه السلام** - مردی از شام، به تحریک معاویه، روزی امام را به دشنام گرفت. امام (ع) چیزی نفرمود تا ساکت شد، آنگاه با لبخندی شیرین او را سلام کرد و فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی، و اگر گمان می‌بری در اشتباه افتاده‌ای، اگر از ما رضایت بخواهی، خواهیم داد و صدقه داد.»

۱- **پرهیزکاری** امام حسن علیه السلام توجهی ویژه به خداوند داشت. آثار این توجه را گاه از چهره‌ی او به هنگام وضو در می‌یافتند: چون وضو می‌گرفت، رنگ می‌باخت و به لرزه می‌افتاد، می‌پرسیدند که چرا چنین می‌شوی؟ می‌فرمود: آن را که در پیشگاه خدا می‌ایستد، جز این سزاوار نیست.

۲- **بخشداری و کرم امام حسن علیه السلام** - روزی کینیزی از کینزانش دسته گلی

۳- **حلم و بردباری امام حسن علیه السلام** - مردی از شام، به تحریک معاویه، روزی امام را به دشنام گرفت. امام (ع) چیزی نفرمود تا ساکت شد، آنگاه با لبخندی شیرین او را سلام کرد و فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی، و اگر گمان می‌بری در اشتباه افتاده‌ای، اگر از ما رضایت بخواهی، خواهیم داد و صدقه داد.»

۴- **بلاغت امام حسن علیه السلام** - محب‌الدین طبری - از علمای اهل سنت - آورده که روزی معاویه به آن حضرت عرض کرد: بلند شو و برای مردم خطبه بخوان. ابوسعید می‌گوید: امام در بین خطبه‌اش فرمود: « ای مردم! هر کس مرا شناخت، که شناخته و هر کس مرا نشناخت، من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من فرزند رسول خدایم. من فرزند بشارت دهنده‌ام. من فرزند بیم دهنده‌ام. من فرزند چراغ نورافشانم. من فرزند زینت آسمانم. من فرزند کسی هستم که به عنوان رحمت عالمیان معوت شد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انس مبعوث گشت. من فرزند کسی هستم که زمین برای او محل سجده و طهارت قرار داده شد. من فرزند کسی هستم که خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و کاملاً پاکشان نمود...»

۱- **پرهیزکاری** امام حسن علیه السلام توجهی ویژه به خداوند داشت. آثار این توجه را گاه از چهره‌ی او به هنگام وضو در می‌یافتند: چون وضو می‌گرفت، رنگ می‌باخت و به لرزه می‌افتاد، می‌پرسیدند که چرا چنین می‌شوی؟ می‌فرمود: آن را که در پیشگاه خدا می‌ایستد، جز این سزاوار نیست.

۲- **بخشداری و کرم امام حسن علیه السلام** - روزی کینیزی از کینزانش دسته گلی

۳- **حلم و بردباری امام حسن علیه السلام** - مردی از شام، به تحریک معاویه، روزی امام را به دشنام گرفت. امام (ع) چیزی نفرمود تا ساکت شد، آنگاه با لبخندی شیرین او را سلام کرد و فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی، و اگر گمان می‌بری در اشتباه افتاده‌ای، اگر از ما رضایت بخواهی، خواهیم داد و صدقه داد.»

۴- **بلاغت امام حسن علیه السلام** - محب‌الدین طبری - از علمای اهل سنت - آورده که روزی معاویه به آن حضرت عرض کرد: بلند شو و برای مردم خطبه بخوان. ابوسعید می‌گوید: امام در بین خطبه‌اش فرمود: « ای مردم! هر کس مرا شناخت، که شناخته و هر کس مرا نشناخت، من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من فرزند رسول خدایم. من فرزند بشارت دهنده‌ام. من فرزند بیم دهنده‌ام. من فرزند چراغ نورافشانم. من فرزند زینت آسمانم. من فرزند کسی هستم که به عنوان رحمت عالمیان معوت شد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انس مبعوث گشت. من فرزند کسی هستم که زمین برای او محل سجده و طهارت قرار داده شد. من فرزند کسی هستم که خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و کاملاً پاکشان نمود...»

نیز اگر چیزی بطلبی، و اگر راهنمایی می‌جویی، راهنماییت خواهیم کرد، و اگر باری بر دوش داری، بر می‌داریم و یا اگر گرسنه‌ای سیرت می‌سازیم و اگر نیازمندی، نیازت را بر طرف می‌کنیم و باری، هر کاری داری، در انجام آن حاضریم. و اگر بر ما وارد شوی، راحت تر خواهی بود چون هر گونه وسایل پذیرایی در نزد ما فراهم است. مرد، شرمسار شد و گریست و گفت: گواهی می‌دهم که تو جانشین خداوند بر زمینی، خدا بهتر می‌داند که رسالت خویش را کجا قرار دهد. و پدرت، نزد من، مبعوضترین بودید و اما اکنون محبوبترین هستید.

این روایت ابن خلکان - از علمای اهل سنت - نیز در کتابش آورده است. مروان حکم- که هیچگاه از آزار آن گرامی فرو گذار نمی‌کرد- هنگام رحلت آن امام، در تشییع جنازه شرکت کرد. حضرت امام حسین (ع) فرمود: تو به هنگام حیات برادرم، هر چه از دستت بر آمد، کردی، و اما اینک در تشییع او، حاضر شده‌ای و می‌گری؟! پاسخ داد: هر چه کردم، با کسی کردم که بر دباریش از این کوه- اشاره به کوهی در مدینه- بیشتر بود.

این صباغ مالکی در این باره می‌نویسد: «الکرم والوجود عزیزة مفروسة فیه» و کرم و وجود عزیزه‌ای بود که در آن حضرت کاشته شده بود.»

سه بار در زندگی، هر چه داشت را دو نیم کرد و در راه خدا داد. این عساکر از علمای اهل سنت از عامر نقل کرده که گفت: «إن الحسن بن علی قاسم الله تعالی ماله مرتین حتی تصدق بفرد نعله» «حسن بن علی با خدا اموالش را دو بار تقسیم نمود، حتی آن‌که به یک عدد از نعلینش صدقه داد.»

۳- **حلم و بردباری امام حسن علیه السلام** - مردی از شام، به تحریک معاویه، روزی امام را به دشنام گرفت. امام (ع) چیزی نفرمود تا ساکت شد، آنگاه با لبخندی شیرین او را سلام کرد و فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی، و اگر گمان می‌بری در اشتباه افتاده‌ای، اگر از ما رضایت بخواهی، خواهیم داد و صدقه داد.»

۴- **بلاغت امام حسن علیه السلام** - محب‌الدین طبری - از علمای اهل سنت - آورده که روزی معاویه به آن حضرت عرض کرد: بلند شو و برای مردم خطبه بخوان. ابوسعید می‌گوید: امام در بین خطبه‌اش فرمود: « ای مردم! هر کس مرا شناخت، که شناخته و هر کس مرا نشناخت، من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من فرزند رسول خدایم. من فرزند بشارت دهنده‌ام. من فرزند بیم دهنده‌ام. من فرزند چراغ نورافشانم. من فرزند زینت آسمانم. من فرزند کسی هستم که به عنوان رحمت عالمیان معوت شد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انس مبعوث گشت. من فرزند کسی هستم که زمین برای او محل سجده و طهارت قرار داده شد. من فرزند کسی هستم که خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و کاملاً پاکشان نمود...»

۱- **پرهیزکاری** امام حسن علیه السلام توجهی ویژه به خداوند داشت. آثار این توجه را گاه از چهره‌ی او به هنگام وضو در می‌یافتند: چون وضو می‌گرفت، رنگ می‌باخت و به لرزه می‌افتاد، می‌پرسیدند که چرا چنین می‌شوی؟ می‌فرمود: آن را که در پیشگاه خدا می‌ایستد، جز این سزاوار نیست.

۲- **بخشداری و کرم امام حسن علیه السلام** - روزی کینیزی از کینزانش دسته گلی

۳- **حلم و بردباری امام حسن علیه السلام** - مردی از شام، به تحریک معاویه، روزی امام را به دشنام گرفت. امام (ع) چیزی نفرمود تا ساکت شد، آنگاه با لبخندی شیرین او را سلام کرد و فرمود: پیر مرد! فکر می‌کنم غریب هستی، و اگر گمان می‌بری در اشتباه افتاده‌ای، اگر از ما رضایت بخواهی، خواهیم داد و صدقه داد.»

۴- **بلاغت امام حسن علیه السلام** - محب‌الدین طبری - از علمای اهل سنت - آورده که روزی معاویه به آن حضرت عرض کرد: بلند شو و برای مردم خطبه بخوان. ابوسعید می‌گوید: امام در بین خطبه‌اش فرمود: « ای مردم! هر کس مرا شناخت، که شناخته و هر کس مرا نشناخت، من حسن بن علی بن ابی طالب هستم. من فرزند رسول خدایم. من فرزند بشارت دهنده‌ام. من فرزند بیم دهنده‌ام. من فرزند چراغ نورافشانم. من فرزند زینت آسمانم. من فرزند کسی هستم که به عنوان رحمت عالمیان معوت شد. من پسر کسی هستم که به سوی جن و انس مبعوث گشت. من فرزند کسی هستم که زمین برای او محل سجده و طهارت قرار داده شد. من فرزند کسی هستم که خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و کاملاً پاکشان نمود...»

۱- **پرهیزکاری** امام حسن علیه السلام توجهی ویژه به خداوند داشت. آثار این توجه را گاه از چهره‌ی او به هنگام وضو در می‌یافتند: چون وضو می‌گرفت، رنگ می‌باخت و به لرزه می‌افتاد، می‌پرسیدند که چرا چنین می‌شوی؟ می‌فرمود: آن را که در پیشگاه خدا می‌ایستد، جز این سزاوار نیست.

۲- **بخشداری و کرم امام حسن علیه السلام** - روزی کینیزی از کینزانش دسته گلی



اهل جود و مورد مدح و ستایش بود.» و صحابه آن حضرت و نیز تابعین، زبان به مدح آن امام همام گشوده‌اند، به عنوان نمونه اقوال چند تن از علمای اهل سنت را ذکر می‌کنیم:

۱- انس بن مالک می‌گوید: «حسن بن علی شبیه‌ترین مردم از حیث صورت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.»

۲- ابوهریره می‌گوید: «... کسی نزد من محبوب‌تر از حسن بن علی نبود بعد از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق او فرمود: «اللهم انی احبته فاحبه و احب من یحبه» «خداایا! من او را دوست دارم پس تو نیز او را و هر کس که او را دوست دارد دوست بدار.»

۳- مساور مولا بنی سعد بن بکر می‌گوید: « ابوهریره را هنگام وفات حسن علیه السلام بر در مسجد مشاهده کردم که می‌گریست و با صدای بلند می‌گفت: ای مردم! امروز محبوب رسول خدا از دنیا رحلت نمود.»

امام حسن علیه السلام علاوه بر اینکه در میان شیعیان از برجستگی خاصی برخوردار است در میان علمای اهل سنت نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. ابن حجر هیتمی می‌نویسد: « حسن - رضی الله عنه - آقایی کریم، بردبار، زاهد، دارای سکینه و وقار و حشمت،

اهل جود و مورد مدح و ستایش بود.» و صحابه آن حضرت و نیز تابعین، زبان به مدح آن امام همام گشوده‌اند، به عنوان نمونه اقوال چند تن از علمای اهل سنت را ذکر می‌کنیم:

۱- انس بن مالک می‌گوید: «حسن بن علی شبیه‌ترین مردم از حیث صورت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.»

۲- ابوهریره می‌گوید: «... کسی نزد من محبوب‌تر از حسن بن علی نبود بعد از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق او فرمود: «اللهم انی احبته فاحبه و احب من یحبه» «خداایا! من او را دوست دارم پس تو نیز او را و هر کس که او را دوست دارد دوست بدار.»

۳- مساور مولا بنی سعد بن بکر می‌گوید: « ابوهریره را هنگام وفات حسن علیه السلام بر در مسجد مشاهده کردم که می‌گریست و با صدای بلند می‌گفت: ای مردم! امروز محبوب رسول خدا از دنیا رحلت نمود.»

امام حسن علیه السلام علاوه بر اینکه در میان شیعیان از برجستگی خاصی برخوردار است در میان علمای اهل سنت نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. ابن حجر هیتمی می‌نویسد: « حسن - رضی الله عنه - آقایی کریم، بردبار، زاهد، دارای سکینه و وقار و حشمت،

رسول خدا صلی الله علیه و آله یاران و صحابه آن حضرت و نیز تابعین، زبان به مدح آن امام همام گشوده‌اند، به عنوان نمونه اقوال چند تن از علمای اهل سنت را ذکر می‌کنیم:

۱- انس بن مالک می‌گوید: «حسن بن علی شبیه‌ترین مردم از حیث صورت به رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.»

۲- ابوهریره می‌گوید: «... کسی نزد من محبوب‌تر از حسن بن علی نبود بعد از آن‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق او فرمود: «اللهم انی احبته فاحبه و احب من یحبه» «خداایا! من او را دوست دارم پس تو نیز او را و هر کس که او را دوست دارد دوست بدار.»

۳- مساور مولا بنی سعد بن بکر می‌گوید: « ابوهریره را هنگام وفات حسن علیه السلام بر در مسجد مشاهده کردم که می‌گریست و با صدای بلند می‌گفت: ای مردم! امروز محبوب رسول خدا از دنیا رحلت نمود.»

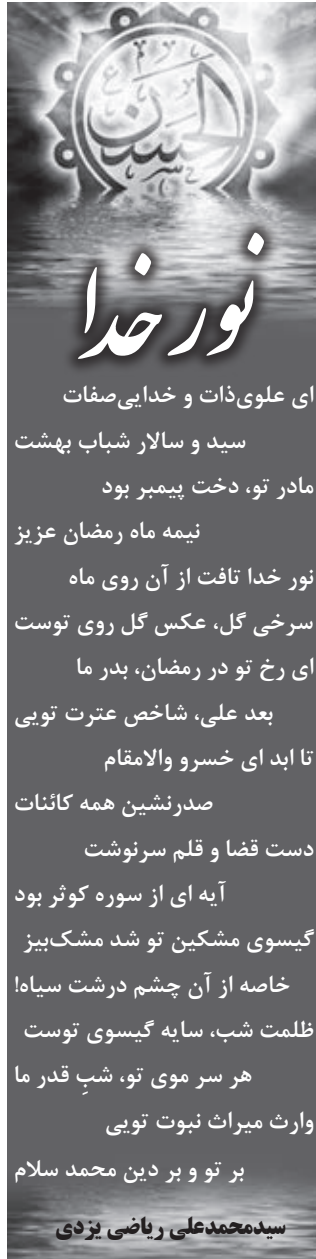
امام حسن علیه السلام علاوه بر اینکه در میان شیعیان از برجستگی خاصی برخوردار است در میان علمای اهل سنت نیز دارای جایگاه ویژه‌ای است. ابن حجر هیتمی می‌نویسد: « حسن - رضی الله عنه - آقایی کریم، بردبار، زاهد، دارای سکینه و وقار و حشمت،

بنابه روایت مشهور بین مذاهب اسلامی سرور جوانان بهشتی و شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم- امام حسن علیه السلام- در شب نیمه ماه مبارک رمضان، سال سوم هجری در شهر مدینه دیده به جهان گشود. کنیه اش ابو محمد است. این کنیه را پیامبر اکرم به امام حسن داد. در هفتمین روز ولادتش حضرت فاطمه سلام الله علیها قنذاقه امام حسن را -در پارچه‌ای از حریر بهشتی که جبرئیل برای پیامبر آورد- خدمت پدر آورد. پیامبر نام حسن را بر وی نهاد. شدیدترین ابراز محبت های رسول خدا نسبت به امام مجتبی علیه السلام در همه کتب روایی مذاهب اسلامی آمده است.

فروغ امامت بر جهان اسلام از خانهای تابید که خدا به آن خانه پایگاهی بلند بخشیده و فرمان داده است که نامش در آن کانون مقدس برده شود فرزندی گرامی رسول و نخستین نواده او که بر جوانان بهشت آقایی دارد هنگامی پا به جهان هستی نهاد که فرخنده‌ترین و مقدس‌ترین ماههای سال بود، ماه رمضان، ماه خدا.

در چهره نوزاد، ترمیمی از سیمای پیامبر می درخشید و فروغ نبوت و امامت به همراه هم در پیشانی بلندش تجلی داشت. خیر ولادت حسن، پیامبر را شادمان کرد و موجی از سرور قلب پاکش را در بر گرفت و بلافاصله به خانه فاطمه رفت، همان دختری که از فرزندان او مردان و زنان آینده افتخار می‌یابند، پیامبر به آنجا رفت تا میلاد نوزاد را به دخترش فاطمه و برادرش علی (علیهما السلام) شاد باش و مبارکباد گوید و از برکات وجود خویش که همه جهان را دربر گرفته به آن کودک اضافه فرماید. نخستین آوایی که به گوش نوزاد رسید ندای حیات‌بخش نبایش پیامبر بود و این نعمات آسمانی چنین کلمات بلند اله الا الله خدا بزرگتر است. خدائی جز الله نیست.

امام حسن علیه السلام از دیدگاه صحابه و تابعین
آنقدر فضائل امام حسن علیه السلام برجسته و زیاد است که علاوه بر



ای علوی ذات و خدایی صفات سید و سالار شباب بهشت مادر تو، دخت پیامبر بود نیمه ماه رمضان عزیز نور خدا تافت از آن روی ماه سرخی گل، عکس گل روی توست ای رخ تو در رمضان، پدر ما بعد علی، شاخص عترت تویی تا ابد ای خسرو والامقام صدراعزین همه کائنات دست قضا و قلم سرت نوشت آیه ای از سوره کوثر بود گیسوی مشکین تو شد مشک‌بیز خاصه از آن چشم درشت سیاه! ظلمت شب، سایه گیسوی توست هر سر موی تو، شب قدر ما وارث میراث نبوت تویی بر تو و بر دین محمد سلام سیدمحمدعلی ریاضی یزدی

خواهان‌ها اسداله دهبزرگی و سالار دهبزرگی فرزندان محمد دادخواستی به طرفیت خوانندگان سازمان آب منطقه‌ای فارس و مجتبی رحمانیان کوشکی و اداره امور منابع آب قیر و کارزین و درنا دهبزرگی و ماهسلطان عسکری‌نژاد جهرمی و محمدحسین رحمانیان کوشکی و اصغر جهرمی و محمدباقر طلوع‌نژاد و فاطمه رحمانیان کوشکی و محمدصادق طلوع‌نژاد و طرلان آثار و صدیقه رحمانیان کوشکی و زینب رحمانیان کوشکی و اداره برق قیر و کارزین به خواسته لغو مجوز بهره‌برداری آب و برق و خلع ید و اعلام بطلان معامله مورخ ۷۰/۹/۱۲ تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان شهرستان قیر و کارزین نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان قیر و کارزین واقع در قیر و کارزین ارجاع و به کلاس ۹۳۰۴۲۶-۹۳۰۹۹۸۷۱۹۰۸۰۰۴۲۶ ثبت گردیده است. با عنایت به وصول نظریه هیأت کارشناسی سه نفره به علت مجهول‌المکان بودن ۲ تن از خوانندگان بنام طرلان آثار و درنا دهبزرگی و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانندگان بنام طرلان آثار فرزند محمدرضا و درنا دهبزرگی فرزند نصراله پس از نشر آگهی جهت ملاحظه نظریه هیأت کارشناسی و اظهار هر مطلبی نفی یا اثبات (طرف یک هفته) در این دادگاه حاضر گردند. مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) شهرستان قیر و کارزین - مسلم رضائی زاده م/الف/ ۴۱



حسن علیه‌السلام گل حسن یوسف باغ پیامبر است. عکس این گل حسن یوسف در آینه را بانوان بهشت، تا ابد آه می‌کشند. حسن حسن، نیمه سببی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به فاطمه علیها‌السلام هدیه داد. نگاه فاطمه به هر طرف رو کند، آفتاب به آن سو رو می‌کند؛ فاطمه علیها‌السلام ملکه آفتابگردان‌های دنیاست و حسن علیه‌السلام، گلی که در سایه‌اش قد کشیده است.

امشب ستاره‌ها جشن ساده علی علیه‌السلام و فاطمه علیها‌السلام را چراغانی می‌کنند. امشب گلدان آغوش فاطمه، سرشار از عطر این گل آسمانی خواهد شد. امشب بوی سبب، مدینه را بیپوش

می‌کند؛ سببی که عطرش، روزها و سال‌ها و قرن‌ها را در می‌نوردد، سببی که عرشی است. این‌جا خانه فاطمه است. این‌جا ملکوت عطر سبب است. امشب کائنات در هوای سیب شناورند، حالا هر کس یک جرعه از این عطر آسمانی می‌خواهد؛ هرکس می‌خواهد کفش‌های نسیم را بپوشد و یک سبب سلام و صلوات با خودش بیاورد. امشب شب نزول عطر سبب و بال فرشته است. همه می‌دانند، قدر امشب کم از شب قدر نیست. امشب در خانه فاطمه علیها‌السلام کودکی به دنیا می‌آید؛ کودکی که آمدنش، آسمان را به زمین می‌آورد.

محمد سعیدی

